

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۲ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۰

صفحات ۱۷۵-۲۱۴ (علمی - پژوهشی)

بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی

ابراهیم رضاپور* / مونا پیشگو**

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی می‌پردازد. زبان سمنانی، یکی از زبان‌های زنده‌ی ایران‌زمین است که در معرض نابودی قرار دارد؛ بنابراین، گویشوران این زبان باید با مطالعه و ثبت زبان سمنانی، در حفظ و حراست آن کوشیده، از نابودی آن جلوگیری کنند. پژوهش حاضر، با بررسی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی، به رده‌شناسی ساخت‌های سببی در این زبان می‌پردازد و وجوه اشتراک و افتراق ساخت‌های سببی فارسی و سمنانی را می‌یابد. نگارندگان با بهره‌گیری از پرسش‌نامه و مصاحبه با ده نفر از گویشوران سمنانی، به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی به بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی سمنانی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش، حاکی از وجود ساخت‌های سببی مرکب و سببی‌های ساده مشتمل بر سببی‌های ریشه‌ای برابر، نابرابر و نابرابر مرکب، سببی‌های تکواژی نوع اول، دوم و سوم و سببی‌های کمکی در زبان سمنانی است.

کلیدواژه: سببی‌سازی، رده‌شناختی، سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی، سببی‌های کمکی، سمنانی.

* استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) abrahim_rezapour@semnan.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سمنان

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

۱. مقدمه

گویش‌ها گنجینه‌های ارزنده میراث فرهنگی ایران‌اند که در آینه آن‌ها حیات، اصالت و قدمت اصلی‌ترین عنصر هویت ملی، یعنی زبان پدیدار است (اسماعیلی و کنعانی، ۱۳۸۹: ۲۴۶). گویش‌ها به‌ویژه اگر دیرسال باشند و متعلق به قلمرو جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی نسبتاً بسته‌ای که آن‌ها را از آسیب دگرگونی‌های ناگهانی و گسترده حفظ کند، باید از لحاظ راه‌گشایی در تکمیل و تدقیق مطالعات تاریخ زبان و دقایق ادب کهن آن سرزمین مورد توجه جدی قرار گیرند (توکلی، ۱۳۸۹: ۶۷۰). گردآوری گویش‌ها و زبان‌های محلی در ایران و نیز بررسی علمی آن‌ها علاوه بر آنکه در کلیت خود، توصیفی از ویژگی‌های بارز و شایان توجه از یک نظام زبانی را ارائه می‌دهد، می‌تواند راه‌گشایی برای حل برخی از مشکلات در توصیف‌های هم‌زمانی یا در زمانی زبان فارسی، کمک به تعیین وضعیت رده‌شناختی گویش‌ها و زبان‌های ایرانی، ساختن واژه‌های نو و شناخت بهتر متون کهن فارسی باشد (نقشبندی و حاج‌عیدی، ۱۳۹۶: ۳۰۱).

زبان سمنانی که از لحاظ ژنتیک زبانی، ریشه در زبان پارتی (پهلوی اشکانی) دارد و متعلق به زبان‌های شاخه شمالی-غربی است، از نظر دست‌ناخوردگی و اصالت و در عین حال، خطر نابودی ناگهانی، موقعیتی ویژه دارد. از سوی دیگر، مفهوم سببی‌سازی، به‌عنوان یکی از جهانی‌های زبان، نقشی مهم در شکل‌دهی تجربیات انسان ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را عضو جدایی‌ناپذیر شناخت بشر قلمداد کرد. یا بنا بر نظر لیکاف (۱۹۸۷)، مفهومی دانست که در اندیشه هر انسانی وجود دارد. بنابراین نگارندگان با انتخاب ساخت سببی و بررسی رده‌شناختی آن می‌کوشند گامی نو در معرفی این زبان و گسترده‌گی آن بردارند. ما با پژوهشی توصیفی - تحلیلی به بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی پرداخته، درصدد پاسخ به این پرسش‌ها برآمده‌ایم: ساخت‌های سببی (ریشه‌ای، تکواژی، کمکی و مرکب) در زبان

سمنانی، از منظر رده‌شناختی چگونه است؟ وجوه اشتراک و افتراق ساخت سببی در زبان فارسی و سمنانی چیست؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است؛ بدین ترتیب که پس از معرفی کلی ساخت‌های سببی و رده‌شناسی آن‌ها در زبان فارسی، به بررسی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی پرداخته خواهد شد. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه حاوی انواع کلمات و جملات سببی و مصاحبه با ده نفر از گویشوران زبان سمنانی در رده‌های سنی بین ۴۰ تا ۶۰ سال (که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند) گردآوری شده است. سپس داده‌های گردآوری‌شده از طریق شَمّ زبانی نگارندگان به عنوان گویشور بومی سمنانی و تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها بررسی شدند. نتایج پژوهش و جمع‌بندی کلی در بخش نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

۳. زبان، گویش، لهجه

به دلیل استفاده نگارندگان از واژه «زبان» برای گونه زبانی سمنانی و بهره‌گیری سایر پژوهشگران این عرصه از اصطلاح «گویش»، لازم است صرفاً از نظر یکی از صدها پژوهشگر این عرصه بهره برده، بدان استناد کنیم تا تمایز میان این اصطلاحات مشخص گردد.

یحیی مدرس در کتاب *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، دیدگاه خود را درباره اصطلاحات زبان، لهجه و گویش بیان کرده است. وی معتقد است اصطلاح گویش درباره تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه درباره تفاوت‌های تلفظی آن‌ها به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، هر زبان ممکن است دارای گویش‌ها و لهجه‌های مختلف باشد. برای تشخیص زبان و گویش از یکدیگر، به‌طور کلی از دو گروه معیارهای زبانی و غیرزبانی (سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و...)

استفاده می‌شود؛ اما اشکال کار در آنجاست که این معیارها نه مطلق هستند و نه بر یکدیگر منطبق و حتی گاهی در تضاد با یکدیگر نیز قرار می‌گیرند. دو گونه زبانی معین ممکن است بر پایه معیارهای زبانی، گویش‌های یک زبان واحد به شمار آیند؛ اما بر اساس معیارهایی از جمله سیاسی، زبان‌هایی جداگانه محسوب شوند. مهم‌ترین و معمول‌ترین معیار زبان‌شناختی برای تشخیص زبان از گویش، معیار هم‌پذیری متقابل یا قابلیت فهم متقابل^۱ است. مطابق این معیار، اگر گویندگان دو گونه زبانی، بدون هیچ آموزش آگاهانه، بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، می‌توان آن دو گونه را گویش‌های یک زبان واحد دانست؛ اما هرگاه تفهیم و تفاهم میان گویندگان آن امکان‌پذیر نباشد، باید آن‌ها را دو زبان جداگانه محسوب کرد. با این حال، این معیار نیز مطلق نیست؛ زیرا قابلیت فهم، درجاتی دارد که ممکن است بین صفر تا صد در نوسان باشد (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳۳-۱۳۹).

بر این مبنا در مقایسه دو گونه زبانی فارسی و سمنانی، با بهره‌گیری از معیار زبانی (و نه سیاسی)، نگارندگان از اصطلاح «زبان» برای توصیف گونه زبانی سمنانی بهره گرفته‌اند.

۴. پیشینه پژوهش

در حوزه زبان‌شناسی، مطالعات مختلفی درباره ساخت‌های سببی زبان فارسی صورت گرفته، اما می‌توان گفت پژوهشی در این زمینه روی زبان سمنانی انجام نشده است. در ادامه، به معرفی پژوهشگران و پژوهش‌هایی در زمینه رده‌شناسی ساخت‌های سببی در زبان فارسی خواهیم پرداخت.

پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آن است که گویش سمنانی با توجه به ویژگی‌های آوایی و دستوری آن، از زبان‌های ایرانی دوره میانه، یعنی زبان‌های پارتی و پارسی

میان‌ه که حدود ۹۰۰ سال (از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ میلادی) زبان رسمی ایران بوده‌اند، کهن‌تر است؛ از این رو می‌توان آن را حدّ فاصل زبان‌های باستانی، یعنی زبان‌های اوستایی، مادی و پارسی باستان و زبان‌های دورهٔ میانه دانست و پیشینه‌ای بیش از ۲۲۵۰ سال برای آن قائل شد. همین ویژگی باعث شده است گویش سمنانی از حدود ۱۵۰ سال پیش، یعنی از سال ۱۸۵۸ م (۱۲۳۷ ش) مورد توجه شرق‌شناسان قرار گیرد (پژوم و جواهری، ۱۳۸۷: ۱).

از پژوهشگران غیرایرانی که به بررسی زبان سمنانی پرداخته‌اند، می‌توان هوتوم شیندلر^۱، بوریس دون^۲، جیمز باست^۳، کری^۴، گیگر^۵، ژرژ مورگن اشتیرنه^۶ و مهم‌تر از همه، آرتور کریستین سن^۷ را نام برد که با رساله‌ای به زبان فرانسه با نام *بررسی اجمالی قواعد دستوری سمنانی*^۸ در سال ۱۹۱۵ م به‌عنوان جامع‌ترین اثر تحقیقی دربارهٔ گویش سمنانی در زمان خود به شمار می‌رود.

از دیگر پژوهشگران زبان سمنانی می‌توان منوچهر ستوده (۱۲۹۲-۱۳۹۵)، جامی شکیبی گیلانی (۱۳۱۸)، پیمان یغمایی (۱۲۷۵-۱۳۶۱)، محمد احمدپناهی سمنانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵)، محمدحسن جواهری (۱۳۳۴)، پرویز پژوم شریعتی (۱۳۱۵-۱۳۹۳)، نصرت‌الله نوح سمنانی (۱۳۱۰)، عبدالمحمد خالصی (۱۳۱۹) و فرهنگ شکوهی (۱۳۱۷) را نام برد.

از سایر پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان اثر مجیدی (۱۹۷۹) در توصیف ساختار گویش‌های ایرانی - شهر سمنان را نام برد. حقیقت (۱۳۴۹) و سیدجلال (۱۳۷۴) نیز به بررسی گویش سمنانی پرداخته‌اند. کریم (۱۳۷۵) به مطالعه تصریف فعل در

-
1. H. Schindler
 2. B. Dorn
 3. J. Basset
 4. M.A. Querry
 5. Geiger
 6. G. Morgenstierne
 7. Arthur Christensen
 8. Le dialecte de sāmnan, Essai d'une grammaire Sāmnanie, avec un vocabulaire et quelques textes

گویش‌های منطقه سمنان پرداخته و سراج (۱۳۸۷) جنسیت و بازتاب آن را در حالت‌های فاعلی و مفعولی در گویش سمنانی بررسی کرده است. عبدوس (۱۳۹۱) به بررسی ساخت‌واژه‌های سمنانی پرداخته و جوکار (۱۳۹۲) فرایندهای واژ-واجی سمنانی را مطالعه کرده است. مرادی (۱۳۹۲) نیز به بررسی فعل در گویش سمنانی پرداخته است.

دستورنویسان ایرانی از دیرباز متوجه تکوازی بوده‌اند که سبب افزایش ظرفیت فعل می‌شود و اغلب با عنوان «متعدی ساختن فعل لازم» به بحث در این خصوص پرداخته‌اند. میرزا حبیب اصفهانی معتقد است برخی افعال، هم لازم هستند و هم متعدی؛ اما گاهی برای بیان تعدی باید از صیغه‌ای جداگانه بهره برد؛ مثل عامل سببی‌ساز «کردن» در فعل روانه کردن (۱۲۸۹: ۶۹). قریب و دیگران (۱۳۳۹) افزودن «انید» و «اند» به فعل لازم را به‌عنوان روش متعدی کردن فعل لازم معرفی کرده‌اند. حاکمی معتقد است با افزودن «اندن» و «انیدن» به پایان فعل امری، فعل متعدی ساخته می‌شود (۱۳۴۲: ۸۱). دبیرسیاقتی می‌گوید: «چون خواهند فعل لازم را متعدی سازند، به آخر ماده مضارع (ریشه مضارع) آن که معمولاً با دوم شخص مفرد فعل امر است، «اندن» یا «انیدن» افزایند» (۱۳۴۵: ۴۹). خزائلی و میرمیرانی نیز علاوه بر مطالب پیشین، معتقدند برخی از فعل‌های ربطی نیز که بر تغییر دادن یا گمان یا تعیین دلالت کنند، متعدی هستند؛ مثل گردانیدن (۱۳۵۱: ۱۲۴). زرسنج علاوه بر افزودن «اندن» و «انیدن» که امروزه رایج است، افزودن «الف» به وسط فعل لازم را در فارسی قدیم، از موارد تبدیل فعل لازم به متعدی دانسته است (۱۳۶۲: ۱۲۷). انوری و گیوی (۱۳۶۳) نیز ساخت‌های سببی را چنین توصیف می‌کنند: «برخی از فعل‌های متعدی را می‌توان دوباره متعدی ساخت؛ بدین صورت که نیاز به متممی تازه خواهند داشت. چنین افعالی را در گذشته، دومفعولی و امروزه فعل‌های سببی می‌نامند.» دستورنویسان سنتی بر ساخت‌های سببی ساخت‌واژی تأکید بیشتری داشته‌اند؛ اما جامع‌ترین تحقیقی که در خصوص ساخت‌های سببی فارسی صورت گرفته، رساله دکتری و چند مقاله از دکتر

دبیرمقدم است. دبیرمقدم (۱۳۶۷)، ساخت‌های سببی را بیشتر از نظر ملاحظات نحوی، مورد بررسی قرار داده است. وی ویژگی‌های صرفی- نحوی و معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی و ارتباط میان این دو را بررسی و تحلیل کرده و وجود همبستگی میان ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی فارسی را مورد تأیید قرار داده است.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده در رده‌شناسی ساخت‌های سببی، می‌توان موارد زیر را نام برد:

بهرامی خورشید (۱۳۸۴) در پژوهش خود به بررسی ساخت سببی در زبان فارسی بر اساس انگاره‌زبان‌شناسی شناختی پرداخته است. وی بر اساس الگوی رده‌شناختی کامری^۱، به رده‌شناسی سببی‌ها پرداخت. وی در تحقیقات خود نشان داده است که سه نوع سببی مورد نظر کامری (ساخت‌واژی، واژگانی و تحلیلی) در زبان فارسی وجود دارد و علاوه بر آن، سببی نوع چهارمی که وی آن را کلامی نامیده، در این زبان دیده می‌شود.

لطفی (۲۰۰۸) ساخت‌های سببی را در زبان فارسی با رویکردی رده‌شناسی- شناختی از دیدگاه تالمی^۲ و همچنین سونگ^۳ مورد بررسی قرار داده است.

زارعی‌فرد و رضایی (۱۳۹۰) ساختارهای سببی را از دیدگاه رده‌شناختی و با استفاده از انگاره‌ساخت‌واژه-بنیاد و همچنین انگاره‌پیشنهادی سونگ بررسی کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود نشان داده‌اند گروه اسمی سببی‌پذیر در ساخت‌های سببی ساخت‌واژی در سلسله‌مراتب حالت همیشه جایگاهی ثابت ندارد و از جایگاهی انعطاف‌پذیر برخوردار است.

نعیمی (۱۳۷۵) با رویکرد مقابله‌ای و تجزیه و تحلیل خطاها نشان داده است زبان مادری در فهم ساخت‌های سببی زبان دوم تداخل دارد. طیب‌زاده (۱۳۸۴) به بررسی

1. Comrie
2. Talmy
3. Song

ساخت‌های اسنادی و سببی در زبان فارسی پرداخته و منصوری (۱۳۸۴) ساخت‌های سببی فارسی را بر اساس طرح پوسته فعلی لارسن^۱ بررسی کرده است. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۶) به بررسی ساخت‌های سببی صرفی پرداخته، برخلاف دستورنویسان سنتی، عنصر سببی را «ان» می‌داند و وجه سببی را در قالب معناشناسی ارائه می‌کند. بهزادی (۱۳۸۶) فعل سببی را با عنوان سببی اجباری بررسی کرده است. آهنگر (۱۳۸۷) نیز به تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی سببی پرداخته و دهقانی (۲۰۰۸) محدودیت‌های سببی را در زبان فارسی و ترکی بررسی کرده است. گلغام و بهرامی خورشید (۱۳۸۸) با استفاده از رویکرد شناختی دیوید لی^۲ مفهوم سببی را در زبان فارسی مورد مطالعه قرار داده‌اند. درزی و کرم‌پور (۱۳۹۱) به پیروی از دیدگاه‌های تجزیه‌محمولی، به بررسی ساخت‌های سببی ساخت‌واژی پرداخته‌اند. قمشه‌ای (۱۳۹۲) بر اساس نظریه‌عام تصویرگونگی، به بررسی ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی در فارسی پرداخته است. راسخ مهند و ایزدی‌فر (۱۳۹۲) نیز ساخت‌های سببی را در زبان تاتی با استفاده از استدلال‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا بررسی کرده‌اند. کامری (۱۹۹۲) از دیدگاه رده‌شناختی به مطالعه ساخت‌های سببی پرداخته و در تحلیل‌های خود، هم پارامترهای صوری و هم پارامترهای معنایی را در نظر داشته است، به گونه‌ای که بر اساس پارامترهای صوری، ساخت‌های سببی را در سه گروه سببی‌های مرکب، تکواژی و واژگانی قرار می‌دهد. شیباتانی در سال ۱۹۷۶ با گردآوری مجموعه مقالات کنفرانس برگزار شده در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، کتاب دستور ساخت سببی را تدوین کرد که مجموعه‌ای غنی از پژوهش‌های بزرگان زبان‌شناسی در برخی از زبان‌های رایج دنیاست. از نویسندگانی که مقاله آن‌ها در این کتاب موجود است می‌توان کامری، کوپر، گیون،

1. Larsen
2. David Lee

لی، مک کوالی، نیومایر، تالمی، تامپسون و دیگران^۱ را نام برد. شیباتانی در مقاله خود با عنوان «اجمالی بر دستور ساخت سببی»، بر مباحث متمرکز بر رفتار معناشناسی زایشی ساخت سببی توجه داشته است.

۵- چارچوب نظری

۵-۱. ساخت سببی و ارکان اصلی آن

«ساخت‌های سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌گردد که در آن، شخصی، حادثه‌ای و یا پدیده‌ای سبب‌ساز محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا شخص دیگری و یا شیئی سبب‌پذیر عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند» (دبیرمقدم، ۱۳۶۷: ۱۴).

هر جمله سببی را می‌توان دربرگیرنده سه عنصر اصلی سبب‌ساز، سبب‌پذیر و فعل سببی دانست (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۴). در یک ساخت سببی، ارکان و روابط زیر وجود دارند:

۱. مادر، بچه‌ها را وادار کرد که غذایشان را بخورند (دبیرمقدم، ۱۳۶۷: ۲۲).

الف. رویداد سبب^۲ (سبب): وادار کردن

ب. رویداد نتیجه^۳ (نتیجه): خوردن غذا (توسط بچه‌ها)

ج. سبب‌ساز^۴: مادر

د. سبب‌پذیر^۵: بچه‌ها

ه. وجود رابطه‌ی علی - معلولی میان رویداد سبب و رویداد نتیجه

و. تقدم زمانی رویداد سبب بر رویداد نتیجه

1. Camry, Cooper, Givon, Lee, McCowley, Newmeyer, Talmi, Thompson and others
2. causing event
3. caused event(result)
4. causer
5. causee

۲-۵. معیارهای طبقه‌بندی معنایی ساخت‌های سببی

مطالعه ساخت‌های سببی، زمینه‌ای مناسب برای بررسی‌های بین‌زبانی است و به مطالعه‌های جهانی‌های زبان و تنوعات بین‌زبانی منجر خواهد شد (شیباتانی، ۲۰۰۲: ۱۷). برای مطالعه ساخت‌های سببی، دو جنبه زیر باید در نظر گرفته شود:

انواع سببی بر اساس رویداد سببی: ۱. مستقیم؛ ۲. غیرمستقیم.

انواع سببی بر اساس مشارکین: ۱. اجباری (امری)؛ ۲. غیراجباری (تأثیری) (سونگ ۲۰۰۱: ۲۵۶-۲۹۶).

در جمع‌بندی پژوهش‌های انجام‌شده در باب معناشناسی ساخت‌های سببی، سه معیار دوازده‌گانه زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین معیارها نام برد:

۱-۲-۵. انواع سببی بر اساس رویداد سببی: سببی مستقیم / سببی غیرمستقیم^۲

«ساخت سببی مستقیم به ساختی اطلاق می‌شود که «سبب‌ساز» خود در انجام رویداد سبب به‌طور مستقیم و بی‌واسطه وارد عمل شود و برای تحقق «رویداد نتیجه» مستقیماً «سبب‌پذیر» را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما در ساخت سببی غیرمستقیم، به‌عکس، سبب‌ساز در انجام دادن رویداد سبب از طریق واسطه عمل می‌کند و سبب‌پذیر را به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد» (شیباتانی، ۱۹۷۶: ۳۱-۳۸).^۳

تمایز معنایی میان سببی‌های مستقیم و غیرمستقیم در مثال زیر مشخص می‌شود:

۲. مادر غذا را به کودک خوراند.

۳. مادر باعث شد که کودک غذایش را بخورد.

از جمله (۲) چنین استنباط می‌شود که مادر، خود غذا را به کودک خورانده است؛ اما جمله (۳) حاکی از این پیام است که مادر با واسطه‌ای مثلاً قول جایزه یا پارک، به‌طور غیرمستقیم باعث شد کودک غذا را بخورد.

1. direct

2. indirect

۳. شیباتانی در اشاره به این معیار، از اصطلاحاتی چون contact vs distant و immidiate vs

mediate نیز استفاده کرده است.

۲-۲-۵. انواع ساخت سببی بر اساس مشارکین: سببی اجباری^۱ / سببی غیراجباری^۲

«مبنای تمایز میان این دو نوع ساخت سببی، اعمال یا عدم اعمال جبر از جانب «سبب‌ساز» بر «سبب‌پذیر» است» (سونگ، ۲۰۰۱: ۲۵۶-۲۹۶). دبیرمقدم نیز معتقد است: «معیار اجبار در مقابل عدم اجبار، به اعمال یا عدم اعمال جبر از سوی سبب بر مسبب برای تحقق فرایند سببی دلالت دارد» (دبیرمقدم، ۱۳۶۷: ۳۰).

الف. سببی‌های اجباری

۴. مادر غذا را به کودک خوراند.

۵. فرمانده باعث شد تا سربازان دور اردوگاه بدوند.

ب. سببی‌های غیراجباری

۶. دلکک بچه‌ها را خندان.

۷. مادر باعث شد که کودک غذایش را بخورد.

از مثال‌های سببی مستقیم و غیرمستقیم (۴) و (۵) اجبار در خوراندن غذا توسط مادر و دوانده شدن سربازان توسط فرمانده و اکراه در سبب‌پذیر در انجام فرایند سببی استنباط می‌گردد، در حالی که در جملات غیراجباری مستقیم و غیرمستقیم (۶) و (۷) می‌بینیم که اجباری در فرایند سببی استنباط نمی‌شود.

۳-۲-۵. سببی آنی^۳ / سببی تداومی^۴

«اگر در تحقق عمل یا حالتی که جمله متمم بدان دلالت دارد، سبب تنها نقش برانگیزندگی و آغازکنندگی را داشته باشد، نقش سبب را آنی می‌نامیم و در صورتی که نقش سبب تا تحقق کامل عمل یا حالتی که جمله متمم بدان دلالت دارد، ادامه یابد، نقش او را تداومی خواهیم نامید» (همان، ۱۳۶۷: ۳۱).

الف. ساخت‌های سببی آنی:

-
1. coercive
 2. non-coercive
 3. ballistic
 4. controlled

۸. زنگ تلفن باعث شد که مریم به موقع به مدرسه برسد.

ب. ساخت‌های سببی تداومی:

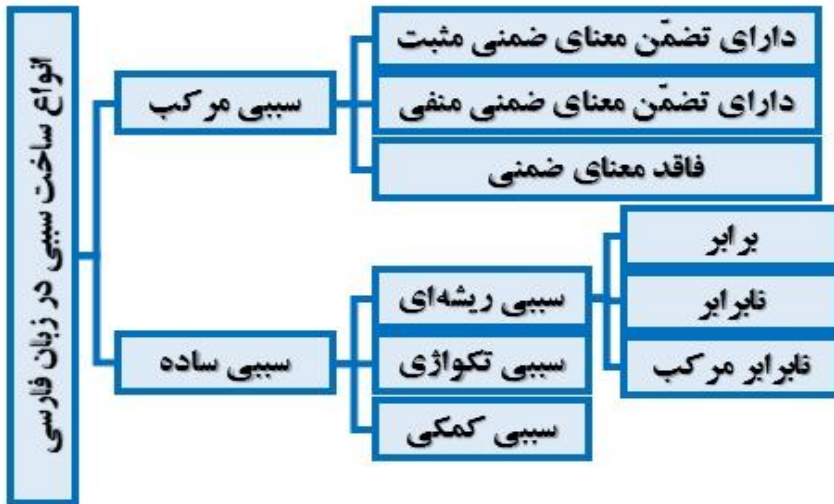
۹. مادر، همه غذا را به کودک خوراند.

طبق تعریف دبیرمقدم، در مثال (۸) زنگ تلفن صرفاً نقش برانگیزندگی اولیه داشته و باعث بیدار شدن مریم از خواب شده است و نقشی در تداوم فرایند سببی تا تحقق رویداد نتیجه، یعنی رسیدن به موقع مریم به مدرسه ندارد.

اما در مثال (۹) سبب (مادر) هم نقش محرک اولیه را ایفا کرده و هم در طول فرایند سببی تا تحقق رویداد نتیجه حضور داشته است و بر فرایند، کنترل و نظارت دارد؛ یعنی تا خوردن کامل غذا توسط کودک (همان: ۹۸).

۳-۵. طبقه‌بندی ساخت‌های سببی در فارسی بر اساس ویژگی‌های ساختاری

دبیرمقدم (۱۳۶۷) در زمینه دسته‌بندی ساخت‌های سببی، ضمن حفظ چارچوب اصلی دسته‌بندی‌های کامری، شیباتانی (۱۹۶۷) و اسپنسر^۱ (۱۹۹۱)، تغییراتی را برای گنجاندن ویژگی‌های اختصاصی سبب‌های فارسی در آن اعمال کرده و طبقه‌بندی خاصی را از ساخت‌های سببی فارسی ارائه کرده است که نگارندگان برای توصیف رده‌شناسی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی، از این طبقه‌بندی بهره می‌گیرند. وی ساخت‌های سببی را بر مبنای ویژگی‌های صوری‌شان به دو شاخه اصلی تقسیم کرده است که هرکدام نیز زیرشاخه‌هایی را شامل می‌شود. نمودار کلی ساخت‌های سببی را در زبان فارسی می‌توان به صورت زیر نمایش داد:



نمودار ۱- انواع ساخت سببی در زبان فارسی

۱-۳-۵. ساخت سببی مرکب^۱

فعل سببی مرکب اصطلاحاً به فعلی اطلاق می‌شود که احتیاج به یک جمله متمم دارد و به عبارت دیگر، ساختی که آن فعل در آن ظاهر می‌شود، همیشه دارای یک جمله پایه و یک جمله پیرو متمم است. جمله متمم تمام ساخت‌های سببی مرکب در زبان فارسی، الف. توسط نشانه متمم، یعنی «که»، از جمله اصلی جدا می‌شود و ب. وجه فعل آن همیشه التزامی است. فعل‌های سببی مرکب بر اساس معیار تضمّن معنای ضمنی، به سه گروه «دارای معنای ضمنی مثبت» که متضمن وقوع جمله متمم است (مثال ۸)، «دارای معنای ضمنی منفی» که متضمن نفی وقوع جمله متمم است (مثال ۹) و «فاقد معنای ضمنی» که نه متضمن وقوع و نه متضمن نفی وقوع جمله متمم باشد، بلکه بین این دو تعبیر خنثی است (مثال ۱۰)، تقسیم شده‌اند.

۸. John caused Mary to leave the town. > Mary left the town.

۱. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، چارچوب نظری نگارندگان بر اساس دیدگاه دیرمقدم (۱۳۶۷: ۱۳-۷۵) است و کلیه مطالب، از اینجا تا پایان بخش پنج، دقیقاً از این منبع نقل می‌شود.

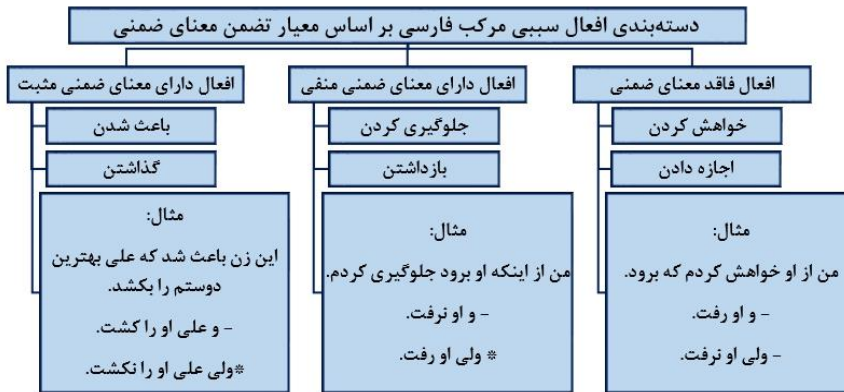
۹. John prevented Mary from leaving the town. > Mary did not leave the town.

۱۰. John ordered Mary to leave the town.

a. Mary left the town.

b. Mary did not leave the town.

به کار بستن معیار فوق در افعال زبان فارسی، سه گروه زیر را به دست می‌دهد^۱:



نمودار ۲- دسته‌بندی افعال مرکب فارسی بر اساس معیار تضمین معنای ضمنی

شایان ذکر است مسبب در ساخت‌های سببی دارای معنای ضمنی یا در نقش فاعلی ظاهر می‌شود یا در نقش مفعول مستقیم. بنابراین، بر اساس نقش نحوی مسبب و اینکه فعل جمله متمم تمام ساخت‌های سببی مرکب در زبان فارسی، همیشه از وجه التزامی است، افعال سببی مرکب متضمن معنای ضمنی را می‌توان در دو گروه الف. سببی‌های «فاعلی-التزامی» و ب. سببی‌های «مفعولی-التزامی» تفکیک کرد. بر مبنای ویژگی‌های معنایی که پیش‌تر معرفی شد، سببی‌های فاعلی-التزامی را در دو گروه (i) فعل‌های سببی «غیرمقید» و (ii) فعل‌های سببی «اجازه‌ای» دسته‌بندی می‌کنیم. از سوی دیگر، باز

۱. علاوه بر مثال‌های ذکرشده، افعال سببی وادار کردن و مجبور کردن در زیرشاخه افعال دارای معنای ضمنی مثبت و افعال گفتن، نصیحت کردن و دستور دادن در زیرشاخه افعال فاقد معنای ضمنی جای می‌گیرند.

هم بر مبنای همین ویژگی‌های معنایی، سببی‌های مفعولی-التزامی را فعل‌های سببی «اجباری» نام می‌نهم.

تصویر کلی مجموعه فعل‌های سببی مرگب در زیر آمده است:

الف. سببی‌های فاعلی-التزامی

(i) سببی‌های غیر مقید: باعث شدن

۱۱. این زن باعث شد که [علی بهترین دوستم را بکشد].

(ii) سببی‌های اجازه‌ای: گذاشتن

۱۲. پیر مرد گذاشت که [بچه‌ها او را به طرف دیگر خیابان ببرند].

ب. سببی‌های مفعولی-التزامی

(iii) سببی‌های اجباری: وادار کردن، مجبور کردن

۱۳. مادر بچه‌ها را وادار کرد^۱ که [غذایشان را بخورند].

ویژگی‌های معنایی افعال سببی غیر مقید، اجازه‌ای و اجباری بدین شرح است^۲:

الف. سببی‌های غیر مقید: باعث شدن

۱. این فعل از نظر مشخصه «محدودیت‌های گزینشی» غیر مقید است.

۲. این فعل در ارتباط با معیار «اجبار» در برابر «عدم اجبار» غیر مقید است.

۳. این فعل در ارتباط با معیار «سببی مستقیم» در برابر «سببی غیر مستقیم» غیر مقید

است.

۴. این فعل در برابر معیار «آنی» در برابر «تداومی» غیر مقید است.

ب. سببی‌های اجازه‌ای: گذاشتن

۱. این فعل هیچ محدودیتی در خصوص صورت‌های مختلف جمله متمم تا زمانی

که متمم به صورت یک جمله تمام باقی بماند، ندارد.

۲. این فعل متضمن مفهوم «عدم اجبار» است.

۱. «وادار کردن» دارای چهار ویژگی کنترل اجباری است که عبارت‌اند از: اجباری بودن، منحصر به فرد بودن، برجستگی و موضعی بودن.

۲. برای توضیحات بیشتر رک: دبیرمقدم، ۱۳۶۷، ۲۵-۴۷.

۳. این فعل در ارتباط با معیار «سببی مستقیم» در برابر «سببی غیرمستقیم» غیرمقیّد است.

۴. این فعل متضمّن مفهوم «آنی» است.

ج. سببی‌های اجباری: وادار کردن، مجبور کردن

۱. این افعال فقط جمله متممی را می‌پذیرند که حاکی از «اجرای عملی» است.

۲. این افعال، مفهوم «سببی اجباری» را القا می‌کنند.

۳. این افعال، متضمّن مفهوم «سببی مستقیم» هستند.

۴. این افعال در رابطه با معیار سببی «آنی» در برابر «تداومی» غیرمقیّد هستند.

۲-۳-۵. ساخت سببی ساده

عنوان سببی‌های ساده، به ساخت‌هایی اطلاق می‌شود که عمل سببی و پیامد آن مجموعاً به صورت یک جمله منفرد و ساده ابراز می‌گردد؛ از این رو، مسبب در این ساخت‌ها یا به صورت مفعول مستقیم یا در نقش مفعول غیرمستقیم ظاهر می‌شود. افعال موجود در ساخت سببی ساده، از نظر تکواژی به یکی از سه گروه سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی و سببی‌های کمکی، تعلق دارند.

۱-۲-۳-۵. سببی‌های ریشه‌ای

اصطلاح سببی ریشه‌ای، به افعالی اطلاق می‌شود که از جنبه معنایی، سببی است؛ اما فاقد تکواژی قابل تفکیک است که منطبق با معنای سببی باشد. سببی‌های ریشه‌ای به سه زیرشاخه «برابر»، «نابرابر» و «نابرابر مرکب» قابل تجزیه هستند. رابطه غیرسببی-سببی بین افعالی نظیر الف. فعل لازم شکستن و فعل متعدی شکستن، سببی ریشه‌ای برابر، ب. فعل لازم مردن و فعل متعدی کشتن، سببی ریشه‌ای نابرابر و ج. فعل مرکب لازم آتش گرفتن و فعل مرکب متعدی آتش زدن، سببی ریشه‌ای نابرابر مرکب را تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۳-۵. سببی‌های تکواژی

سببی‌های تکواژی، به افعالی گفته می‌شود که تکواژ «ان» از پیوند پسوند «-ان» به تکواژ حال برابر غیرسببی آن حاصل می‌شود؛ مانند دویدن و دواندن/ دوانیدن و گذشتن و گذراندن/ گذرانیدن. در مقایسه با افعال سببی ریشه‌ای، افعال سببی تکواژی، مجموعه‌ای پرعضو شامل بیش از شصت فعل را تشکیل می‌دهند.

۳-۲-۳-۵. سببی‌های کمکی

سببی‌های کمکی، به آن گروه از افعال مرکب متعدی اطلاق می‌شود که از یک صفت به‌اضافه فعل کمکی کردن ساخته می‌شود. رابطه غیرسببی- سببی میان افعال تلخ شدن/ بودن و تلخ کردن، از این نوع افعال سببی است. از میان سببی‌های ساده در فارسی، مقولۀ سببی‌های کمکی، زایاترین مقوله است. در واقع، ترکیب هر صفت با فعل کمکی کردن، یک فعل کمکی سببی به دست می‌دهد. برابر غیرسببی فعل کمکی سببی کردن، فعل کمکی «شدن» و فعل اسنادی «بودن» است.

۶. رده‌شناسی ساخت سببی در زبان سمنانی

بر اساس تعریف دبیرمقدم از ساخت‌های سببی که پیش‌تر بیان شد، ساخت‌هایی در زبان سمنانی که شامل این ویژگی‌ها بودند، به‌عنوان ساخت‌های سببی سمنانی برگزیده شدند. این ساخت‌ها بر اساس معیارهای صوری به دو دسته ساخت‌های سببی مرکب و ساده تقسیم شدند که ساخت‌های سببی ساده نیز خود به سه زیربخش: سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی و سببی‌های کمکی تقسیم گردیدند. از این میان، ساخت‌های سببی ریشه‌ای نیز خود به سه زیربخش سببی‌های برابر، نابرابر و نابرابر مرکب تجزیه می‌شوند.

پیش از شروع بررسی‌های ساخت‌های سببی در سمنانی، بهتر است با نوعی دیگر از سببی‌ها که تالمی (۲۰۰۰) آن‌ها را سببی‌های پیاپی^۱ می‌نامد آشنا شویم. تالمی، ساخت‌های سببی پیاپی را آن دسته از ساخت‌های سببی معرفی می‌کند که در پی توالی رویدادهای سببی ایجاد می‌شوند. به بیان دیگر، ساخت‌های سببی پیاپی، شرایطی پیچیده‌تر از یک ساخت سببی را در یک جمله پایه بیان می‌کنند. در این ساخت‌ها، سبب‌پذیر رویداد سببی اول، سبب‌ساز رویداد دوم است و سبب‌پذیر رویداد دوم، سبب‌ساز رویداد سوم و این ساخت‌های پیاپی می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد؛ بنابراین، رویداد سوم، نتیجه رویداد دوم و هر دو نتیجه رویداد اول هستند. مثال زیر، نمونه‌ای از ساخت‌های سببی پیاپی است:

۱۴. احمد باعث بیا تا پلیس نزنونه علی نازره اون جینکن بکشه.

Amad bāes bebā tā pōlis nazōne Ali nārze ön Jeniken bakōše.

احمد باعث شد پلیس نتواند از کشته شدن آن زن توسط علی جلوگیری کند.

(احمد باعث شد پلیس نتواند نگذارد که علی آن زن را بکشد.)

ساخت سببی فوق، حاصل سه رویداد است که برای فهم بهتر، ساختار معنایی آن

بیان می‌شود:

رویداد سوم: علی آن زن را کشت.

رویداد دوم: پلیس نتوانست از کشته شدن آن زن توسط علی جلوگیری کند.

رویداد اول: احمد باعث شد پلیس نتواند از کشته شدن آن زن توسط علی

جلوگیری کند.

طبق توالی جمله‌های سببی که مشاهده شد، می‌بینیم رویداد سوم، نتیجه رویداد

دوم و هر دو رویداد، نتیجه رویداد اول هستند. مثال (۱۴) در حالت بی‌نشان، این طور

نمایش داده می‌شود:

✎ احمد باعث بیا [پلیس نزونه نارزه [علی اون جنیکن بکشه ۳] ۲] ۱].

با معرفی این ساخت‌ها، اکنون می‌توان از آن‌ها در تحلیل بهتر داده‌ها بهره برد.

۱-۶. ساخت‌های سببی مرکب سمنانی

طبق تعریفی که پیش‌تر از ساخت‌های مرکب بیان شد، در ساخت‌های سببی

مرکب سمنانی، ویژگی‌های یادشده یافت می‌شوند:

(۱۵) [احمد باعث بیا کو [اون جنیکا بمره. متمم]]

[Amad bāes bebā kö [ön Jenika bamare. متمم]]

[احمد باعث شد که [آن زن بمیرد. متمم]]

مثال بالا بیانگر یک ساخت سببی مرکب است که در آن، «احمد» به‌عنوان

خاستگاه، سبب شده «جنیکا» به‌عنوان تحوّل‌پذیر بمیرد. «باعث بیا» نیز فعل سببی مرکب

در این ساختار است.

برای دسته‌بندی افعال سببی مرکب در زبان سمنانی، از معیار تضمّن معنای ضمنی

بهره‌جسته‌ایم. بر این اساس، افعال سببی مرکب سمنانی به سه گروه افعال دارای معنای

ضمنی مثبت، افعال دارای معنای ضمنی منفی و افعال فاقد معنای ضمنی تقسیم‌بندی

می‌شوند. به کار بستن معیار فوق در افعال سببی مرکب سمنانی، جدول زیر را به دست

می‌دهد:

| دسته‌بندی افعال سببی مرکب سمنانی بر اساس معیار تضمّن معنای ضمنی | | |
|---|---------------------------------|----------------------------------|
| افعال فاقد معنای ضمنی | افعال دارای معنای ضمنی منفی | افعال دارای معنای ضمنی مثبت |
| باتیون bātiyu'n | ناشتیون nāštiyún | وادار کردیون vādā' r kerdiyún |
| گفتن | نگذاشتن. اجازه ندادن | وادار کردن |
| خواهش کردیون xāeš kerdiyún | جلو بپتون jelów betiyún | باعث بیبون bāes bebiyún |
| خواهش کردن | جلوگیری کردن، جلوی کسی را گرفتن | باعث شدن |
| اجازه هادیون ejazá hadiyún | مَنه کردیون maána kerdiyún | حوکم هاگردیون hökm hákerdiyún |
| اجازه دادن | منع کردن | حکم کردن |
| واشتیون vāštiyún | | هادیون hādiyún |
| گذاشتن و اجازه دادن | | دادن |
| گیابیون gīābiyún | | بسپاردیون bespārdiyún |
| خواستن | | سپردن |

مثال‌هایی از افعال سببی فوق به شرح زیر است:

افعال دارای معنای ضمنی مثبت:

۱۶. م باعث بیبی و چه چی بخورن.

Mē bāes bebiá vače či baxöran.

مادر باعث شد بچه‌ها غذا بخورند.

- و بچه‌ها خوردند.

- * ولی بچه‌ها نخوردند.

افعال دارای معنای ضمنی منفی:

۱۷. احمدی ناشت علی کییه پی بیرین شو.

Amadi nāšt Ali kiyá pi biri'n šū.

احمد نگذاشت علی از خانه خارج شود.

- * و علی از خانه خارج شد.

- و علی از خانه خارج نشد.

افعال فاقد معنای ضمنی:

۱۸. احمدی علی پی گییا اییه لیوونه او ژوره بیاره.

Amadi Ali pi giyā i'ya livö'na ow žö ra biyāre.

احمد از علی خواست یک لیوان آب برای او بیاورد.

- و علی آورد.

- ولی علی نیاورد.

۱-۱-۶. بررسی ویژگی‌های معنایی در سببی‌های مرکب سمnانی

همان‌طور که در فصل سوم بیان شد، افعال سببی مرکب متضمن معنای ضمنی را می‌توان به زیربخش‌هایی تقسیم کرد که نمونه‌های سمnانی در زیر با طرح مثال معرفی می‌شوند، سپس ویژگی‌های معنایی آن‌ها نیز بیان خواهند شد.

تصویر کلی مجموعه فعل‌های سببی مرکب سمnانی در زیر آمده است:

الف. سببی‌های فاعلی - التزامی

(i) سببی‌های غیر مقید: باعث بیون

۶. علی تلاش باعث بیا [تئی امتحانی قبیل ببو].

Ali telāš bāes bebā [táyī emteani qabi'1 bebú].

تلاش علی باعث شد [که در امتحان قبول شود].

(ii) سببی‌های اجازه‌ای: واشتیون، اجازه هادیون

۷. مار واشت کو [وچه سونگک دله اووین ونه].

Mār vāšt kö [vačá sö'ng delá owvin vene].

مادر اجازه داد که [کودک سنگ را به درون آب بیندازد].

ب. سببی‌های مفعولی - التزامی

(iii) سببی‌های اجباری: وادار کردیون، مجبور کردیون

۸. پیسه، مار وادار کردش کو نارزه علی کیسه پی بیرون شو.

Piyá, mār vādā'r kerdeš kö nārze Ali kiyá pi biri'n šū.

پدر، مادر را وادار کرد تا از خروج علی از خانه جلوگیری کند.

ویژگی‌های معنایی افعال سببی غیر مقید، اجازه‌ای و اجباری در زبان سمنانی، بدین

شرح است:

الف. سببی‌های غیر مقید: باعث بیون

۱. این فعل از نظر مشخصه «محدودیت‌های گزینشی» غیر مقید است؛ زیرا متمم این

فعل می‌تواند ساخت‌های نحوی مختلفی را پذیرا شود.

مثال‌های زیر گواه این مدعا است:

۹. أحمد باعث بیا [کو علی اون جنیکن بکشه].

Amad bāes bebā [kö Ali ön Jeniken baköše].

احمد باعث شد که علی آن زن را بکشد.

۱۰. احمد باعثی [بکشتنی اون جنیکن توسط علی] بیا.

Amad bāesi [boköštani ön Jeniken tavasöte Ali] bebā.

احمد باعث کشتن آن زن توسط علی شد.

۱۱. ان احمد با کو باعث بیا [هَنون ببو].

En Amad bā kö bāes bebā [hanún bebú].

این احمد بود که باعث چنین اتفاقی شد.

۲. این فعل در ارتباط با معیار «اجبار» در برابر «عدم اجبار»، غیرمقیّد است. در مثال زیر، مادر چه با اعمال زور و اجبار و چه بدون اعمال آن، باعث شده است بچه‌ها غذایشان را بخورند.

۱۲. م باعث بیبی زکی خوشتون چی بخورن.

Mē bāes bebiá zēki xōštō'n čī baxōran.

مادر باعث شد تا بچه‌ها غذایشان را بخورند.

۳. این فعل در ارتباط با معیار «سببی مستقیم» در برابر «سببی غیرمستقیم»، غیرمقیّد است. در مثال اول، سببی مستقیم آشکارا بیان شده و مثال دوم نمونه‌ای برای سببی غیرمستقیم است.

۱۳. علی باعث بیا اون جنیکا بمره. / علی اون جنیکن بوکوست.

Ali bāes bebā ön Jenikā bamare. / Ali ön Jeniken bokōšt.

علی باعث شد آن زن بمیرد. / علی آن زن را کشت.

۱۴. احمد باعث بیا کو علی اون جنیکن بکشه.

Amad bāes bebā kö Ali ön Jeniken bakōše.

احمد باعث شد که علی آن زن را بکشد.

۴. این فعل در برابر معیار «آنی» در برابر «تداومی»، غیرمقیّد است. در مثال زیر، ممکن است فقط مادر به خواهر بزرگ‌تر امر کرده و رفته باشد که معنای «آنی» را تداعی می‌کند و ممکن است تا پایان فرایند غذا خوردن دختر کوچک‌تر در کنار آن‌ها بوده و با اعمال اجبار آن‌ها را همراهی می‌کرده است که نمایانگر معیار «تداومی» بودن است.

۱۵. م باعث بیبی مسینه خوآکّ چی خوشتون خوآکر خوردی بده.

Mē bāes bebiá masi'na xūwāka čī xōštō'n xūwāker xōrdi bade.

مادر باعث شد خواهر بزرگ‌تر چیزی را به خواهرش بخورد.

ب. سببی‌های اجازه‌ای؛ واشتینون، اجازه هادیون

۱۶. پی یر واشت کو [علی وازی ره بشو کیژه].

Piyér vāšt kō [Ali vāzi ra bašū kižá].

پدر اجازه داد که علی برای بازی به کوچه برود.

۷. همن کو پی یر واشت [علی وازی ره بشو کیژه]، باعث بیا علی بچه .

Haman kō piyér vāšt [Ali vāzi ra bašū kižá], bāes bebā
bečče.

اجازه دادن پدر برای بازی در کوچه، باعث سرماخوردگی علی شد.

۱. این فعل هیچ محدودیتی در خصوص صورت‌های مختلف جمله متمم تا زمانی که متمم به صورت یک جمله تمام باقی بماند، ندارد. در مثال بالا می‌بینیم جمله متمم در هر دو مثال به صورت جمله تمام باقی مانده است.

۲. این فعل، متضمن مفهوم «عدم اجبار» است. در هر دو مثال، قابل مشاهده است

که هیچ اجباری از سوی پدر اعمال نشده است.

۳. این فعل در ارتباط با معیار «سببی مستقیم» در برابر «سببی غیرمستقیم»، غیرمقید است. طبق گفته دبیرمقدم، نزدیکی فیزیکی سبب و مسبب در تعبیر معنایی سببی مستقیم یا غیرمستقیم دخیل است (دبیرمقدم، ۱۳۶۷: ۳۴). اینکه پدر در گوشه‌ای از خانه نشسته، فقط سرش را به معنای اجازه دادن به علی برای خروج از خانه تکان می‌دهد یا اینکه علاوه بر اجازه دادن، او را تا در خروجی همراهی می‌کند، می‌تواند در تعبیر معنایی مستقیم بودن یا غیرمستقیم بودن نوع سببی اهمیت داشته باشد.

۴. این فعل، متضمن مفهوم «آنی» است؛ زیرا پدر تنها نقش آغازکنندگی فرایند سببی را دارد و نقشی در انجام فرایند جمله متمم، یعنی بازی کردن علی در کوچه، ندارد.

ج. سببی‌های اجباری؛ وادار کردیون، مجبور کردیون

۱۸. مار، علی وادار کرد کو [گرمه هله تون کره].

Mār Ali vādā'r kerd kō [garmá halē' town kere].

مادر، علی را مجبور کرد تا لباس گرم بپوشد.

۱. این افعال فقط جملهٔ متممی را می‌پذیرند که حاکی از «اجرای عملی» است. پوشیدن لباس گرم، گواه این مدعاست.

۲. این افعال، مفهوم «سببی اجباری» را القا می‌کند. این نوع سببی‌ها به دلیل داشتن افعال سببی وادار کردیون و مجبور کردیون، همانند افعال سببی اجباری، مفهوم اجبار را در خود نهفته‌اند.

۳. این افعال، متضمن مفهوم «سببی مستقیم» هستند. به دلیل وجود فرایند اجبار در این افعال، سببی‌ها همواره مستقیم خواهند بود.

۴. این افعال در رابطه با معیار سببی «آنی» در برابر «تداومی»، غیرمقیّدند. در مثال بالا ممکن است مادر، تنها این نکته را امر کرده باشد که علی لباس گرم بپوشد و سهمی تا پایان فرایند لباس پوشیدن علی نداشته باشد که مفهوم «آنی» را تداعی می‌کند. از سوی دیگر، ممکن است خود، لباس را بر تن علی بپوشاند و تا پایان فرایند در این امر دخیل باشد که بیانگر مفهوم «تداومی» بودن ساخت سببی است.

۲-۶. ساخت‌های سببی سادهٔ سمنانی

بر مبنای تعریف دبیرمقدم که پیش‌تر بیان شد، ساخت‌های سببی سمنانی نیز از نظر تکواژی به سه گروه: سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی و سببی‌های کمکی تفکیک شده‌اند.

۱-۲-۶. سببی‌های ریشه‌ای

در زبان سمنانی نیز آن دسته از افعالی که فاقد تکواژی قابل تفکیک برای تشخیص مفهوم سببیت در برابر مفهوم غیرسببیت بودند، در گروه سببی‌های ریشه‌ای جای گرفتند. سببیت در این نوع افعال فقط از جنبهٔ معنایی قابل تشخیص است. این نوع سببی، خود به سه زیرشاخهٔ سببی‌های ریشه‌ای برابر، نابرابر و نابرابر مرکب تقسیم شده‌اند که هر یک در بخشی مجزاً معرفی خواهند شد.

۱-۱-۲-۶. سببی‌های ریشه‌ای برابر

در این نوع سببی، فعل سببی و غیرسببی کاملاً برابر هستند و تنها تمایز معنایی در بافت، امکان تشخیص مفهوم سببیت را می‌دهد. نمونه‌ای از این نوع افعال در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲- سببی‌های ریشه‌ای برابر در زبان سمنانی

| | | بریندیون | | | | | غیرسببی | برابر |
|------------|------------------------------|-------------------|-----------------|---------|-------------|-------------|---------|-------|
| تون کردیون | بمالندیون/هامالندیون | نیا داردیون | ولکیشندیون | بتیون | بولردیون | بریندیون | | |
| تون کردیون | Bemälendiyün dümälendiyün | niyā' dārdiyün | velkišendiyün | betiyün | bowlerdiyün | berbindiyün | | |
| پوشیدن | مالیدن | نگه‌داشتن(در دست) | کشیدن(با اجبار) | کشیدن | دریدن | بریدن | | |
| | | سببی | | | | | غیرسببی | برابر |
| تون کردیون | بمالندیون/ هامالندیون | نیا داردیون | ولکیشندیون | بتیون | بولردیون | بریندیون | | |
| تون کردیون | bemälendiyün | niyā' dārdiyün | velkišendiyün | betiyün | bowlerdiyün | berbindiyün | | |
| پوشیدن | مالیدن | نگه‌داشتن(در دست) | کشیدن(با اجبار) | کشیدن | دریدن | بریدن | | |

مثال:

۱۹.

الف. مو دس برینیا.

Mō das berbiniyā.

دستم برید.

ب. چقوئین مو دس برینند.

Čaḡū' yin mō das berbind.

چاقو دستم را برید.

در جدول فوق، در هر سطر سه‌تایی، ردیف اول، فعل سمنانی، ردیف دوم، آوانگاری فعل و ردیف سوم، معنای فارسی آن آمده است. از مثال‌های یادشده می‌توان دریافت ساخت صوری صورت‌های سببی و غیرسببی در این افعال، برابر است. بررسی افعال فوق نشان می‌دهد این افعال، پذیرای هر دو مسبب جاندار و بی‌جان هستند. مثال‌های بالا گواه این مدعاست. افعال جدول ۲، از لحاظ معنایی، مفهوم

«تداومی» را بیان می‌کنند؛ زیرا مسبب تا پایان فرایند سببی حضور دارد. این افعال، محدودیتی دربارهٔ مستقیم یا غیرمستقیم و اجباری یا غیراجباری بودن، ندارند.

۱-۲-۶. سببی‌های ریشه‌ای نابرابر

در این نوع، ساخت سببی افعال کاملاً متفاوت هستند و باهم تنها از طریق بازنمود معنایی می‌توان سببی یا غیرسببی بودن افعال زیر را تعیین کرد؛ برای نمونه:

جدول ۳- سببی‌های ریشه‌ای نابرابر در زبان سمنانی

| سببی | سببی غیرمستقیم | سببی | سببی غیرمستقیم | سببی | سببی غیرمستقیم | سببی | سببی غیرمستقیم |
|----------------|----------------|------------|----------------|----------------|----------------|------------|----------------|
| بموندیون | بکتیون | بیهمیون | بمردیون | بشویون | بشویون | بشویون | بشویون |
| bemöndiyún | beketiýún | biyemiyún | bemerdiyún | beštyún | beštyún | beštyún | beštyún |
| ماتدن | افتادن | آمدن | مردن | رفتن | رفتن | رفتن | رفتن |
| نیا داردیون | دووندیون | بیاردیون | بگوشتیون | وسی گردیون | بیردیون | بیردیون | بیردیون |
| niyá' dardıyún | düvendiyún | biyardiyún | bököštyún | vesi' kerdiyún | beberdiyún | beberdiyún | beberdiyún |
| نگه داشتن | انداختن | آوردن | کشتن | فرستادن | بردن | بردن | بردن |
| بشتیون | بوخوردیون | بشناسیون | واخوردیون | بدیون | دردیون | دردیون | دردیون |
| beštyún | böxördiyún | bešnasyún | vaxördiyún | bediyún | derdiyún | derdiyún | derdiyún |
| ایستادن | خوردن | شناختن | نوشیدن | دیدن | داشتن | داشتن | داشتن |
| واداردیون | خوردی بدیون | یه بدیون | هادیون | هامارندیون | هادیون | هادیون | هادیون |
| vadardıyún | xö'rdi bediyún | yē bediyún | hadiyún | hamarendiyún | hadiyún | hadiyún | hadiyún |
| نگه داشتن | خوراندن | شناساندن | نوشاندن | نشان دادن | دادن | دادن | دادن |

نابرابر

مثال:

۲۱.

الف. علی مداده درد.

Ali medā'da derd.

علی مداد داشت.

ب. احمدی، مداده علی دا.

Amadi medā'da Ali dā.

احمد، مداد را به علی داد.

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، زوج افعال سببی و غیرسببی، نمایانگر کنش عمل با یا بدون مسبب هستند. تعداد این زوج افعال در زبان سمنانی محدود است؛ اما همه آنها در این جدول قید نشده‌اند.

با استفاده از این اجزای فعلی محدود، ساخت‌های بی‌شماری در بخش بعدی، سببی‌های ریشه‌ای نابرابر مرگب، مشاهده خواهیم کرد.

مثال فوق، نمونه‌ای از ساختار سببی و غیرسببی افعال فوق را نمایش می‌دهد. طبق انتظار می‌بینیم تکواژی خاص، نمونه سببی را از غیرسببی جدا نمی‌کند و تنها معنای افعال و جملات، انواع آنها را مشخص می‌سازد. با بررسی افعال فوق درمی‌یابیم این دسته از افعال نیز پذیرنده مسبب جاندار و بی‌جان هستند؛ پس محدودیتی در حیطة جاننداری ندارند. بیشتر افعال، مفهوم «تداومی» را می‌رسانند؛ اما برخی مانند «بوکوشتون» یا «وسی کردیون»، مفهوم «آنی» دارند. این افعال، محدودیتی درباره مستقیم یا غیرمستقیم و اجباری یا غیراجباری بودن، ندارند.

۳-۱-۲-۶. سببی‌های ریشه‌ای نابرابر مرگب

این گروه از افعال، همان طور که از نامشان پیداست، همانند بقیه سببی‌های ریشه‌ای، هیچ تکواژ یا جزئی ندارند که تمایز آنها را از فعل غیرسببی‌شان نشان دهد. از طرفی، چون افعالی مرگب هستند، آنها را سببی‌های ریشه‌ای نابرابر مرگب نامیده‌اند. نمونه‌ای از این افعال را در زبان سمنانی، می‌توان در جدول ۴ مشاهده کرد.

جدول ۴- سببی‌های ریشه‌ای نابرابر مرگب در زبان سمنانی

| نوع سببی | ریشه سببی | ریشه غیرسببی | نابرابر مرگب | |
|----------|------------------------------|-----------------|----------------|--------------------------------|
| | | | سببی | غیرسببی |
| غیرسببی | یه گیشیون | آتش ونبون | گول بوخوردیون | رخس درمیون |
| | ye gityún | atés vetyún | gul böxördiyún | raxs der emiyún |
| سببی | یه بدیون | آتش بوکوآتیون | گول بوکوآتیون | رخس درآوردیون/وندیون |
| | ye bediyún | atés bukwatıyún | gul bukwatıyún | raxs dereverdiyún/ vendiyún |
| غیرسببی | دمبال کنیون | جوش امیون | رد بییون | عووض واییون |
| | dembá'1 ketiyún | Juš emiyún | rad bebiyún | övéz väbiyún |
| سببی | دمبال وندیون | جوش اوردیون | رد کردیون | عووض واگردیون |
| | dembá'1 vendiyún | Juš everdiyún | rad kerdıyún | övéz vakerdıyún |
| | یه تعویق انداختن | جوشاندن | عبور دادن | تعمیر دادن |
| | یه تعویق افتادن | جوشیدن | عبور کردن | تعمیر یافتن |
| | یه یاد دادن | آتش زدن | گول زدن | به رقص درآوردن |
| | یه یاد آمدن | آتش گرفتن | گول خوردن | به رقص آمدن |
| | بوره وندیون | گرمیستن | | |
| | börmá ketiyún/ bejendiyún | | | |
| | börmá vendiyún | | | |
| | یه امیون | | | |
| | ye emiyún | | | |
| | یه یاد آمدن | | | |
| | یه اوردیون | | | |
| | ye everdiyún | | | |
| | یه یاد آوردن | | | |

مثال:

۲۳.

الف. مترسکه رخص دره مییه.

Matarsaká raxs dáremiyá.

مترسک به رقص آمد.

ب. وایی مترسکین رخص دره ورد.

Vāyi' matarsaki'n raxs dereverd.

باد، مترسک را به رقص درآورد.

افعال موجود در جدول فوق نسبت به مقوله جاننداری، محدودیتی ندارند، غالباً معنای تداومی را بیان کرده، محدودیتی نسبت به مستقیم یا غیرمستقیم و اجباری یا عدم اجباری بودن کنش ندارند.

این افعال همانند زبان فارسی، در زبان سمنانی نیز از تنوع بالایی برخوردارند. نمونه‌ای از افعال، مثل «صفت + بیون/بیون» در حالت غیرسببی و «صفت + کردیون» در حالت سببی، نمونه‌های سببی‌های کمکی را می‌سازند؛ اما در زبان سمنانی، نمونه‌های بسیار از وجود «اسم + بیون/بیون» در حالت غیرسببی و «اسم + کردیون» در حالت سببی وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را در گروه سببی‌های کمکی جای داد؛ پس به گروه سببی‌های ریشه‌ای نابرابر مرگب تعلق می‌گیرند. از نمونه‌های این افعال می‌توان «عووض وایون/واکردیون» و «رد بیون/کردیون» اشاره کرد.

ضمناً نمونه‌های بسیاری وجود دارند که در آن‌ها جزء فعلی، جزء سببی‌های نابرابر است و وقتی با اسمی ترکیب می‌شوند، می‌توان آن‌ها را در گروه سببی‌های نابرابر مرگب جای داد. از نمونه‌های این افعال می‌توان به «کتیون» و «وندیون» در مثال‌های «دمبال کتیون» و «دمبال وندیون»، «امیون» و «اوردیون» در مثال‌های «جوش امیون» و «جوش اوردیون» یا «یه امیون» و «یه اوردیون» یا «کش امیون» (کش آمدن) و «کش بدیون» (کش دادن)، «بوخوردیون» و «بوکوآتیون» در مثال‌های «گول بوخوردیون» و

«گول بوکوآتیون» یا «کشیدا بوخوردیون» (کشیده خوردن) (kešidā' böxördiyún) و «کشیدا بوکوآتیون» (کشیده زدن) (kešidā' būkkūwātiyún) و «بتیون/هاتیون» و «هادیون» در مثال‌های «عووض هاتیون» (عووض گرفتن) (övéz hātiyún) و «عووض هادیون» (عووض دادن) (övéz hādiyún) اشاره کرد.

۲-۲-۶. سببی‌های تکواژی

افعال سببی ساخت‌واژی، به آن دسته از افعال گفته می‌شود که تکواژی قابل تفکیک، ساختار سببی را از ساختار غیرسببی آن جدا کند. ابتدا مثال‌هایی از این نوع سببی را در جدول‌های زیر مشاهده می‌کنیم، سپس نگارندگان به ارائه توضیحات لازم و تجزیه و تفکیک تکواژهای موجود در زبان سمنانی می‌پردازند.

جدول ۵- سببی‌های تکواژی نوع اول در زبان سمنانی

| | | | | |
|---------------------------|---------|-----------|-----------|----------------------|
| سببی‌های تکواژی (نوع اول) | غیرسببی | بپژیون | بشکیون | دوربژیون / بربتیون |
| | | bepežiyún | beškiyún | Dūrižiyún/ beritiyún |
| سببی | | پختن | شکستن | ریختن |
| | | ببتیون | بشکتیون | دورتیون / برتیون |
| | | bepetiyún | bešketyún | beretiyún/dūretiyún |
| | | پختن | شکستن | ریختن |

جدول ۶- سببی های تکواژی نوع دوم در زبان سمنانی

| سببی های تکواژی (نوع دوم) | | | | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|-------------------------|---------------------|------------------------------|----------------|
| دوپچندیون | beresiyún | بیرسیون | بیرسیون | بفمیون | بفندیون |
| <i>dūpīčiyún</i> | <i>beresiyún</i> | بیرسیدن | بیرسیدن | بفمیدن | بفندیون |
| دوپچندیون | beresendiyún | بیرسندیون | بیرسندیون | بفمندیون | بفندیون |
| <i>dūpīčendiyún</i> | <i>beresendiyún</i> | بیرسندیدن | بیرسندیدن | بفمندیدن | بفندیون |
| بچندیون | bevyerdiyún | بویزدیون | بچندیون | بنیستیون | بشاندیون |
| <i>bejūšiyún</i> | <i>bevyerdiyún</i> | بچشدن | بچشدن | بنیستیدن | بشاندیدن |
| بچندیون | bevyerendiyún | بویزندیون | بچشدندیون | بنیندندیون | بشاندیون |
| <i>bejūšendiyún</i> | <i>bevyerendiyún</i> | بچشدندیدن | بچشدندیدن | بنیندندیدن | بشاندیدن |
| دوماسیون | befāqeniyún | بفافیون | ورخوسیون دخوسیون | بوغویون ورخوسیون | بگردیون |
| <i>dūmāsiyún</i> | <i>befāqeniyún</i> | بفافیون | ورخوسیون دخوسیون | بوغویون ورخوسیون | بگردیدن |
| چسبندیون | dūmāsendiyún | منتشر شدن | خیسبندیون | خوایدن | گشتن |
| <i>dūmāsendiyún</i> | <i>dūmāsendiyún</i> | منتشر شدن | خیسبندیون | خوایدن | گشتن |
| بوستیون بوسسیون | bowsetiyún bowsiyún | بوارسیون | بلنگیون | بورزیون بورستیون | ببچیون |
| <i>bowsetiyún</i> <i>bowsiyún</i> | <i>bowsetiyún</i> <i>bowsiyún</i> | بوارسیون | بلنگیون | بورزیون بورستیون | ببچیون |
| بوسندیون | bowsendiyún | بوارندیون | بلنگندیون | بورزندیون | ببچندیون |
| <i>bowsendiyún</i> | <i>bowsendiyún</i> | بوارندیدن | بلنگندیدن | بورزندیدن | ببچندیون |
| بجوسیون | bejōmbiyún | تون دخیزیون | بوشیون | ورجیبیون | هوم چیکیلیون |
| <i>bejōmbiyún</i> | <i>bejōmbiyún</i> | تون دخیزیون | بوشیون | ورجیبیون | هوم چیکیلیون |
| حرکت کردن | town Dexiziyún | لرز کردن بر اثر تب | سوخت و افروختن آتش | چیزی که بر اثر حرارت جمع شود | مجاله شدن |
| <i>town Dexiziyún</i> | <i>town Dexiziyún</i> | لرز کردن بر اثر تب | سوخت و افروختن آتش | چیزی که بر اثر حرارت جمع شود | مجاله شدن |
| بجوسبندیون | bejōmbendiyún | تون دخیزندیون | بوشندیون | ورجیبندیون | هوم چیکیلندیون |
| <i>bejōmbendiyún</i> | <i>bejōmbendiyún</i> | تون دخیزندیدن | بوشندیون | ورجیبندیون | هوم چیکیلندیون |
| حرکت دادن | town dexizendiyún | واکنش بدن به آب ناگهانی | سوزاندن | چراندن امایوس کردن | مجاله کردن |
| <i>town dexizendiyún</i> | <i>town dexizendiyún</i> | واکنش بدن به آب ناگهانی | سوزاندن | چراندن امایوس کردن | مجاله کردن |

سال دوازدهم - بهار ۱۴۰۰ - شماره بیست و سوم

جدول ۷- سببی‌های تکواژی نوع سوم در زبان سمنانی

| | | | | | سببی | غیرسببی |
|-----------------|--------------|----------------|---------------|--------------------|------|---------|
| | | | | | | |
| وروزبون | بترسبون | ورگردبون | بچردبون | بترزبون/بتر کردبون | سببی | غیرسببی |
| verveziyún | betersiyún | vergerdiyún | bečerdidyún | bettežiyún | | |
| جستن، پریدن | ترسیدن | بازگشتن | چریدن | دویدن | سببی | غیرسببی |
| ورواژندبون | بتارسندبون | ورگارندبون | بچارندبون | بتاژندبون | | |
| vervāzendiyún | betārsedyún | vergārdendiyún | bečārendiyún | betāžendiyún | سببی | غیرسببی |
| پراندن(از خواب) | ترساندن | بازگرداندن | چراندن | دواندن | | |
| برخصبون | بچرخبون | بترکبون | بچکبون | بلرزبون | سببی | غیرسببی |
| berexsiyún | bečerxiyún | beterkiyún | bečekiyún | belerziyún | | |
| رقصیدن | چرخیدن | ترکیدن | چکیدن | لرزیدن | سببی | غیرسببی |
| برآخصندبون | بچارخندبون | بتارکندبون | بچاکندبون | بلارزندبون | | |
| berāxsendiyún | bečāxendiyún | betārkendiyún | bečā'kendiyún | belārzendiyún | سببی | غیرسببی |
| رقصانندن | چرخانیدن | ترکاندن | چکاندن | لرزاندن | | |

مثال سببی تکواژی نوع اول:

۲۵.

الف. چی بیژیا.

Či bepežiyā.

غذا پخت.

ب. مو مار چی پت.

Mō mār čī bepet.

مادرم غذا پخت.

مثال سببی تکواژی نوع دوم:

۲۷.

الف. وچه بنیست.

Vačá benyest.

کودک نشست.

ب. مار وچه بنین دنا.

Mār vačá banindendā.

مادر کودک را نشانند.

مثال سببی تکواژی نوع سوم:

۳۰.

الف. زمین بلرزیه.

Zemi'n belerziyá.

زمین لرزید.

ب. زلزله زمینی بلارزند.

Zelzelé zemi'ni belārzend.

زلزله، زمین را لرزاند.

همان طور که در جدول‌های ۵، ۶ و ۷ مشاهده می‌کنید، سه نوع تکواژ برای افعال سببی زبان سمنانی قابل تفکیک است. در سببی‌های تکواژی نوع اول، در حالت سببی، پیش از پسوند مصدرساز «یون» (iyún)، تکواژ «ت» (et) به ستاک فعل اضافه می‌شود که مثال این نوع افعال در مثال سببی نوع اول در بالا ذکر شده است. تعداد این نوع افعال در زبان سمنانی محدود است؛ اما همه این نوع افعال در این جدول قید نشده‌اند. نگارندگان از افعال موجود در پرسش‌نامه بهره برده، با استفاده از مثال‌های موجود در پرسش‌نامه، این مثال‌ها را ارائه کرده‌اند.

در سببی‌های تکواژی نوع دوم، تکواژ «ند» (end) پیش از پسوند مصدرساز «یون» (iyún) به ستاک فعلی اضافه می‌شود و نوعی دیگر از سببی‌ها را در زبان سمنانی می‌سازد. این نوع سببی تکواژی را به دلیل بسامد بسیار بالا می‌توان نوع اصلی سببی در زبان سمنانی خواند. همان طور که در سببی ریشه‌ای برابر بیان شد، برخی افعال متعدی که ساخت غیرسببی ندارند نیز از این تکواژ بهره برده‌اند.

لازم است درباره برخی افعال که ساخت‌های متعددی دارند، توضیحی داده شود. از ویژگی‌های بارز فعل در زبان سمنانی، وجود پیشوند در افعال است که گاه باعث تغییر معنا می‌شوند؛ برای مثال، فعل متعدی «چیکیلیندیون» که به‌تنهایی در جدول ۶

نیامده، به معنای سق زدن و مزه کردن است؛ اما در این جدول با پیشوند «هوم» در فعل «هوم چیکیلندیون»، معنای مجاله شدن یافته است. در جدول ۶، در افعالی که دو یا چندتایی ذکر شده‌اند، این پیشوندها معنای اصلی فعل را تغییر نداده و گاه باعث قوت و ضعف کنش فعل شده‌اند. از میان افعال جدول ۶، می‌توان به افعال بوخوتیون، ورخوتیون و ورخوسیون در حالت غیرسببی و بوخوسندیون و ورخوسندیون در حالت سببی اشاره کرد. افعال ورخوتیون، ورخوسیون و ورخوسندیون، عامیانه‌تر بوده، از میزان ادبیات پایین‌تری نسبت به بوخوتیون و بوخوسندیون برخوردارند، همچنین زور و اجبار بیشتری در معنای آن‌ها نهفته است.

در نهایت، سببی تکواژی نوع سوم، تقریباً برابر تکواژی نوع دوم است، با این تفاوت که در این افعال، پیش از افزوده شدن تکواژ «سند» (end)، تکواژ «آ» (ā) به ستاک فعل اصلی افزوده می‌شود؛ مانند «بغلتیون» (غلّتیدن) (beqeltiyún) و «بغالّندیون/دوغالّندیون» (غلّتانندن) (beqāltendiyún).

تعداد این نوع سببی‌های تکواژی، محدود است؛ اما به موارد مذکور در جدول ۷ محدود نمی‌شود.

در نهایت، باید گفت افعال سببی تکواژی سمنانی محدودیتی نسبت به جاننداری، مفهوم سببیت مستقیم یا غیرمستقیم و اجبار یا عدم اجبار ندارند. افعال جداول بالا عمدتاً متضمن مفهوم «تداومی» هستند؛ اما برخی افعال مانند «بفاغندیون»، «پیرندیون» و «بوخوشکندیون»، مفهوم «آنی» را می‌رسانند؛ زیرا مسبب، تنها آغازگر کنش فعل انتشار دادن، پراندن و خشکاندن است و تا انتهای ماجرا نقشی ندارد.

۳-۲-۶. سببی‌های کمکی

همان‌طور که در فصل قبل اشاره شد، سببی‌های کمکی، آن دسته از سببی‌ها را شامل می‌شود که ترکیب صفت با جزء فعلی «بودن/شدن» ساخت غیرسببی و «صفت + کردن» ساخت سببی را تشکیل می‌دهند. این ساختار در فارسی از بسامد بسیار بالایی

برخوردار است. نمونه‌هایی از این ساخت سببی را در زبان سمنانی، در جدول ۸

می‌بینیم:

مثال:

۳۲.

الف. مو کتاب وی با.

Mö ketāb vi bā.

کتابم گم شد.

ب. نسرینم مو کتاب وی کرد.

Nasrini'n mö ketāb vi kerd.

نسرین کتابم را گم کرد.

جدول ۸- سببی‌های کمکی در زبان سمنانی

| سببی‌های کمکی | | وف بییون | تم بییون | وی بییون | هچی بییون | مطل بییون | آتیب بییون |
|---------------|--|------------------|----------------|---------------------|------------------------|-------------------|-------------------|
| سببی‌های کمکی | | vaf biyún | tam bebiyún | Vi bebiyún | Hécci bebiyún | mattél bebiyún | eti' b bebiyún |
| | | وقف بودن | تمام شدن | گم شدن | محو و غیب شدن | معطل و منتظر شدن | ادب/ تنبیه شدن |
| سببی‌های کمکی | | vaf kerdíyún | tam bekerdíyún | Vi kerdíyún | Hécci kerdíyún | mattél kerdíyún | eti' b kerdíyún |
| | | وقف کردن | تمام کردن | گم کردن | محو و غیب کردن | معطل و منتظر کردن | ادب/ تنبیه کردن |
| سببی‌های کمکی | | rāfa bebiyún | Jowl biyún | nowmi' d bebiyún | tíz vābiyún | būr vābiyún | arxei' n biyún |
| | | رفع و برطرف شدن | گود شدن | ناامید/مأیوس شدن | تیز و خراب از رنگ شدن | بور/شرمنده شدن | مطمئن بودن |
| سببی‌های کمکی | | rāfa kerdíyún | Jowl kerdíyún | nōwmi' d vākerdíyún | Tíz vākerdíyún | būr vākerdíyún | arxei' n kerdíyún |
| | | رفع و برطرف کردن | گود کردن | ناامید/مأیوس کردن | تیز و خراب از رنگ کردن | بور/شرمنده کردن | مطمئن کردن |

این گروه از سببی‌ها نیز مانند سایر گروه‌ها نه محدودیتی در حیطه جاننداری دارد،

نه در محدوده سببی مستقیم یا غیرمستقیم و اجبار و عدم اجبار. بیشتر این افعال

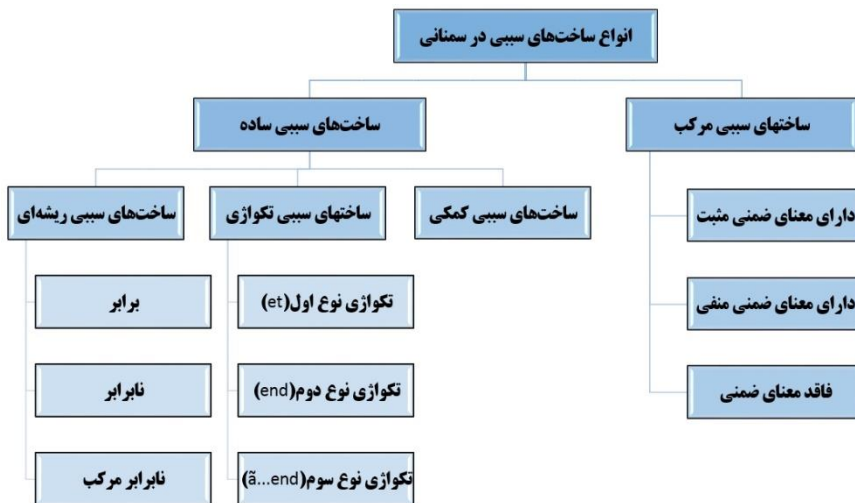
تداعی‌کننده مفهوم مستقیم هستند و هنگامی که سبب‌ساز جاندار باشد، مفهوم آنی را می‌رساند و هنگامی که مسبب بی‌جان داشته باشد، بیانگر مفهوم تداومی است.

این ساخت، به دلیل ترکیب صفت با جزء فعلی، در زبان سمنانی نیز از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، از ویژگی‌های بارز فعل در زبان سمنانی، وجود پیشوندهای فعلی است که گاه باعث تغییر در معنا نیز می‌شوند. در نمونه‌های افعال در جدول ۴-۸، به‌عنوان نمونه‌هایی از این پیشوندها می‌توان به «ب» در «تم بگردیون»، «وا» در «واگردیون» و «واییون» اشاره کرد. گفتنی است به دلیل تنوع بالای این افعال، نگارندگان علاوه بر بهره‌گیری از ساخت‌های کمکی موجود در پرسش‌نامه، از ساخت‌های اصیل زبان سمنانی موجود در واژه‌نامه نیز کمک گرفته‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

با بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان سمنانی، مشخص شد ساخت‌های سببی در سمنانی، همانند فارسی به دو دسته ساخت‌های سببی مرکب و ساده تقسیم می‌شوند. ساخت‌های سببی مرکب، بر اساس معیار تضمین معنای ضمنی، به سه دسته افعال دارای معنای ضمنی مثبت، افعال دارای معنای ضمنی منفی و افعال فاقد معنای ضمنی، قابل دسته‌بندی هستند. ساخت‌های سببی ساده نیز به سه دسته سببی‌های ریشه‌ای، تکواژی و کمکی تقسیم می‌شوند. همانند زبان فارسی، افعالی در سه زیرشاخه سببی‌های ریشه‌ای به‌عنوان افعال سببی ریشه‌ای برابر، نابرابر و نابرابر مرکب در زبان سمنانی یافت شدند. نکته قابل توجه در بررسی داده‌ها این بود که تعداد بسیار زیادی از افعال وجود داشتند که تنها دارای یکی از ساخت‌های غیرسببی یا سببی بودند. برخی از آن‌ها که در پرسش‌نامه استفاده شده بودند، نشان دادند جزء ساخت‌های سببی ریشه‌ای برابر هستند؛ اما بقیه ساخت‌ها نیاز به بررسی بیشتر دارند تا مشخص شود آیا جزء این نوع ساخت سببی هستند یا خیر. به دلیل نبود ساختار سببی یا غیرسببی قرینه، امکان تأیید قطعی درباره اینکه این ساخت‌ها جزء سببی‌های ریشه‌ای هستند، وجود نداشت.

برخلاف زبان فارسی که تنها دارای یک نوع سببی تکواژی «ان-انید» است، ساخت‌های سببی تکواژی در سمنانی، به سه دسته مجزاً تقسیم می‌شوند که نگارندگان آن‌ها را با عنوان سببی‌های تکواژی نوع اول با تکواژ «-ت» (et)، سببی‌های تکواژی نوع دوم با تکواژ «-ند» (end) و سببی‌های تکواژی نوع سوم با تکواژ «آ...-ند» (ā...end) نامیده‌اند. شایان ذکر است بسامد تکواژی نوع دوم، بسیار بیشتر از نوع سوم و نهایتاً نوع سوم بیشتر از نوع اول است. سببی‌های کمکی در سمنانی نیز دقیقاً مشابه افعال فارسی، ترکیبی از ساختار «صفت + یون/بیون» را برای ساخت غیرسببی و «صفت + کردیون» را در ساخت سببی، تشکیل می‌دهند. در نهایت، به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان نمودار زیر را به‌عنوان رده‌شناسی ساخت‌های سببی در سمنانی معرفی کرد:



نمودار ۳- انواع ساخت سببی در زبان سمنانی

منابع

- آهنگر، عباس‌علی (۱۳۸۷)، تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱-۲۹.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی، تهران: ناظمی.

- اسماعیلی، عصمت و ابراهیم کنعانی (۱۳۸۹)، **شناسایی توصیفی گویش‌های مناطق کویری بر اساس اطلس گویش‌شناسی**، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، دانشگاه سمنان، صص ۲۴۵-۲۶۹.
- اصفهانی، میرزا حبیب (۱۲۸۹)، **دستور سخن**، چاپ استانبول.
- بهرامی خورشید، سحر (۱۳۸۴)، **ساخت‌های سببی در زبان فارسی: رویکردی شناختی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بهزادی، بهزاد (۱۳۸۶)، **ساخت سببی**، فصلنامه بین‌المللی ترکی، شماره ۱۶ و ۱۷، صص ۷-۳۳۶.
- پژوم شریعتی، پرویز و محمدحسن جواهری (۱۳۸۷)، **واژه‌نامه گویش باستانی سمنانی**، ۲ جلد، چ ۱، سمنان: نشر آبرخ.
- توکلی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، **گویش سمنانی، راهگشای بررسی لغات و تعبی‌رات متون کهن**، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، دانشگاه سمنان، صص ۶۶۹-۶۸۸.
- جوکار شهرستانی، سارا (۱۳۹۲)، **فرایندهای واژ-واجی در سمنانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۴۲)، **دستور زبان فارسی برای دبیرستان‌ها**، ج ۲، تهران.
- حقیقت، بیژن (۱۳۴۹)، **گویش سمنانی و آداب و رسوم روستای یوسف‌آباد**، پایان‌نامه لیسانس دانشگاه ملی ایران.
- خزائی، محمد و سیدضیاءالدین میرمیرانی (۱۳۵۱)، **دستور زبان فارسی**، تهران: جاویدان.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۵)، **دستور زبان فارسی**، تبریز: انتشارات کتابفروشی تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۷)، **ساخت‌های سببی در زبان فارسی**، مجله زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳-۷۵.
- _____ (۱۳۸۴)، **پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- درزی، علی و فاطمه کرم‌پور (۱۳۹۱)، **بررسی ساخت‌های سببی ساخت‌واژی زبان فارسی**، پژوهش‌های زبانی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۲۳-۴۱.
- راسخ‌مهند، محمد و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۲)، **بررسی ساخت سببی در زبان تاتی**، مجله ادب پژوهی، شماره ۲۵، صص ۱۶۰-۱۳۵.

- زارعی فرد، رها و والی رضایی (۱۳۹۰)، بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان فارسی، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال سوم، شماره اول، صص ۲۹-۵۰.
- زرسنج، محمدرضا (۱۳۶۲)، دستور و نگارش فارسی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- سراج، فرشته (۱۳۸۷)، بررسی جنسیت و بازتاب آن در حالت‌های فاعلی و مفعولی در گویش سمنانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- سیدجلال، کامران (۱۳۷۴)، گویش سمنانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۴)، ساخت‌های اسنادی و سببی در زبان فارسی، نامه فرهنگستان، شماره ۳۲، صص ۶۱-۶۸.
- عبدوس، یلدا (۱۳۹۱)، ساخت‌واژه سمنانی، گویش شهر سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۳۹)، دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: چاپخانه فرهنگ.
- کریم، حمیدرضا (۱۳۷۵)، مقایسه تصریف فعل در گویش‌های منطقه سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- گلفام، ارسلان و سحر بهرامی خورشید (۱۳۸۸)، سببی‌سازی و تصویرگونگی: رویکردی شناختی، زبان‌پژوهی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- محبی‌الدین قمشه‌ای، غلام‌رضا (۱۳۹۲)، تصویرگونگی ساخت‌های سببی در زبان فارسی: اصل فاصله، زبان‌شناخت، دوره ۴، شماره ۷، صص ۸۵-۱۱۰.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرادی، سهیلا (۱۳۹۲)، فعل در گویش سمنانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی، تهران: سمت.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۴)، ساخت سببی زبان فارسی بر اساس طرح پوسته فعلی لارسن، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۳.

- نعیمی، وحیدرضا (۱۳۷۵)، *بررسی مقابله‌ای و تجزیه و تحلیل خطاها در ساخت‌های سببی اجباری در فارسی و انگلیسی و تبعات آن برای آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نقشبندی، شهرام و حوا حاج‌عیدی (۱۳۹۶)، *چند فرایند واجی در گویش دیباجی*، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۳۰۱-۳۳۲.
- Comrie, Bernard (1992), **Language Universals and Linguistic Typology: Syntax and Morphology**, 2nd Ed., Oxford: Blackwell.
- Dehghani, Yavar (2008), **Causative Construction in Persian and Azari Turkish**, Oxford Press.
- Lakoff, George (1987), **Women, Fire, and Dangerous Things**, What Categories Reveal about the Mind. Chicago/London: The University of Chicago Press.
- Lotfi, A. R. (2008), **Causative Constructions in Modern Persian**, California Linguistic Notes, 33 (2):1-23.
- Majidi, M. R.(1979), **Strukturelle Beschreibung des iranischen Dialekts der Stadt Semnan. Phonetik, Morphologie, Syntax, Texte**, Hamburg: Helmut Buske Verlag.
- Shibatani, Masayoshi (1976), **The Grammar of Causative Constructions: A Conspectus**, in The Grammar of Causative Constructions, M. Shibatani (*ed.*), New York, NY: Academic Press.
- Shibatani, Masayoshi (2001), **The Grammar of Causation and Interpersonal Manipulation**, Amsterdam: John Benjamins.
- Shibatani, Masayoshi (2002), **The Causative Continuum**, in The Grammar of Causation and Interpersonal Manipulation, Amsterdam: John Benjamins.
- Song, J. J. (1996), **Causatives and Causation: A Universal-Typological Perspective**, London: Addison Wesley Longman.
- Song, J. J. (2001), **Linguistic Typology: Morphology and Syntax**, Harlow Pearson Education Limited.
- Talmy, Leonard (1976), **Semantic Causative Types**, in M. Shibatani (*ed.*), *Syntax and Semantics 6: The Grammar of Causative Constructions*, New York: Academic Press.
- Talmy, Leonard (2000), **Toward a Cognitive Semantics**, Vol. 1: Concept Structuring Systems, Cambridge, Mass: MIT Press.

